

۱۰ فیلم تریلر دیدنی و کلاسیکی



ژانر تریلر (thriller) یکی از جذاب‌ترین، پرتعدادترین و هیجان‌انگیزترین ژانرهای سینمایی است که کمتر مخاطبی می‌تواند به آن علاقه‌ای نداشته باشد. اگر چه بهترین فیلم‌های این ژانر شناخته شده هستند و شما نیز بدون شک نام بسیاری از آن‌ها را شنیده‌اید، اما برخی دیگر علیرغم زیبایی و ارزش سینمایی‌شان کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

ژانر تریلر (thriller) یکی از جذاب‌ترین، پرتعدادترین و هیجان‌انگیزترین ژانرهای سینمایی است که کمتر مخاطبی می‌تواند به آن علاقه‌ای نداشته باشد. اگر چه بهترین فیلم‌های این ژانر شناخته شده هستند و شما نیز بدون شک نام بسیاری از آن‌ها را شنیده‌اید، اما برخی دیگر علیرغم زیبایی و ارزش سینمایی‌شان کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

به گزارش پایگاه خبری تیک (Tik.ir)؛ کارگردانان بسیاری در طول تاریخ سینما موفق به خلق تریلر‌هایی دیدنی شده‌اند که توسط سینماروها و منتقدان مورد ستایش قرار گرفته‌اند. اگر چه بهترین فیلم‌های این ژانر شناخته شده هستند و شما نیز بدون شک نام بسیاری از آن‌ها را شنیده‌اید، اما برخی دیگر علیرغم زیبایی و ارزش سینمایی‌شان کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

از تریلرهای اروپایی تا جواهرات کالت، در ادامه این مطلب قصد داریم شما را با ۱۰ مورد از بهترین فیلم‌های تریلر کلاسیک آشنا کنیم که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما باید در فهرست تماشای هر طرفداری تریلری قرار داشته باشند.

۱۰- آقای کلاین (۱۹۷۶)

فیلم «آقای کلاین» (Mr. Klein) به کارگردانی ژوزف لوزی فرانسوی، یک تریلر کافکایی در مورد ماجراجویی‌های بدفرجام یک دلال آثار هنری است. آلن دلون، بازیگر افسانه‌ای سینمای فرانسه، نقش آقای کلاین را بازی می‌کند که یک تاجر و دلال موفق اشیاء عتیقه است. داستان فیلم در شهر پاریس و در دوران اشغال این شهر توسط نازی‌ها رخ می‌دهد و داستان آقای کلاین را روایت می‌کند که نمی‌داند مردی دیگر در شهر با نام رابرت کلاین وجود دارد که یهودی بوده و از اعضای مقاومت به شمار می‌آید.

وقتی که کلاین حقیقت را در مورد شخص هم‌نامش می‌فهمد باید بی‌گناهی خود را ثابت کند، زیرا آلمان‌ها در تعقیب او هستند. ادامه داستان یک تریلر تاریک و کند رونده در مورد موجودیت و هویت است. باید گفت که این شاهکار مورد توجه قرار نگرفته در سایه فیلم «خدمتکار» (The Servant)، شاهکار دیگر لوزی، قرار گرفته است.

اگر چه این فیلم داستان کنایه آمیز موجودیت انسان و اجتناب ناپذیر بودن مرگ را روایت می‌کند، اما می‌توان آن را هم‌زمان مطالعه فلسفی پوچی و جبرگرایی نیز دانست، زیرا شخصیت اصلی داستان در نهایت نمی‌تواند از سرنوشت تلخش فرار کند. علاوه بر این، لوزی یک تصویرسازی کابوس گونه از بحران وجودی ارائه می‌دهد که با داستان «محاكمه» (The Trial) کافکا شباهت‌های بسیاری دارد به خصوص در این باب که هیچ راه فراری از واقعیت دیوانه کننده حاضر در داستان وجود ندارد.

۹- آن روز سرد در پارک (۱۹۶۹)

فیلم «آن روز سرد در پارک» (That Cold Day in the Park) بدون شک یکی از فیلم‌های رابرت آلتمن، کارگردان افسانه‌ای هالیوود، است که بسیار مورد بی‌مهری قرار گرفت. این تریلر روانشناختی نادیده گرفته شده در مورد داستان غیرمتعارف و عجیب و غریب فرانسیس آوستین (سندی دنیس)، یک زن ثروتمند، اما تنه‌است که در زندگی خسته کننده و ملال آور خود گرفتار شده است. اگر چه در ظاهر به نظر می‌رسد که فرانسیس دوستان با جایگاه اجتماعی بالای زیادی در اطراف خود دارد، اما با مرگ مادرش به شدت احساس درماندگی و تنهایی به سراغش می‌آید.

در یک روز سرد، او پسرپرچه نوجوان خوش سیمایی را از پارک کنار آپارتمان‌ش به خانه خود دعوت می‌کند. در ابتدا پسرک وانمود می‌کند که لال است، اما بعد از دیدن حرکات عجیب فرانسیس به حرف می‌آید. زن داستان نه تنها پسرک را در خانه اش زندانی می‌کند بلکه از لحاظ جنسی نیز نظرش به او جلب می‌شود. رابطه نامتعارف این دو با اوج داستانی و

یک پایان غیرمنتظره همراه می شود.

دنيس يك بازى خارق العاده و ترسناك از خود در نقش يك زن از لحاظ روانى بى ثبات با اميال تاريك ارائه مى دهد و يكي از تاريك ترين شخصيت هاى تمام فيلم هاى آلتمن را خلق مى كند. «آن روز سرد در پارک» يكي از اولين فيلم هاى رابرت آلتمن در مورد عواقب نداشتن صداقت، دروغگوپي و سرکوب جنسى است که شباهت زيادى با فيلم «انزجار» (Repulsion) يكي از شاهكار هاى متعدد رومن پولانسكى دارد.

۸- رولت چينى (۱۹۷۶)

فيلم «رولت چينى» (Chinese Roulette) يك تریلر آوانگارد به کارگردانى رابنر ورنر فاسبيندر، کارگردان نامى و صاحب سبك آلمانى، است. اين فيلم داستان آنجلا را روايت مى كند، دختر جوانى كه والدينشبه خاطر نقص فيزيكى اش (چلاق بودن) از او متنفرند و غيرمستقيم او را تحقير مى كنند. والدين او كه هر دو در ظاهر به شكلى غيرطبيعى با دخترشان با ادب رفتار مى كنند، در خفا با اشخاص ديگر رابطه دارند.

آنجلا كه مانند والدينش با بيرحمى و خشونت بزرگ شده، در تلاش براى انتقام از والدينش ترتيبى مى دهد كه آن ها و افرادى كه به صورت پنهانى با آن ها رابطه دارند در يك كلبه روستايى با يكديگر روبرو شوند. در اين كلبه و از طريق يك بازى حدسى كه رولت چينى ناميده مى شود دروغ ها و راز هاى بين پدر و مادرش فاش مى شود.

دقيق تر بگويم اينكه بازى «رولت چينى» يك تمرين بيرحمى و تصويرسازى تاريك از داشتن زندگى سخت و جهنمى است. از طريق چند سوال بيرحمانه، راز هاى پنهان و دروغ هاى شيطانى فاش مى شوند. اين بازى بدین دليل رولت چينى نام گرفته، زيرا به اندازه شكنجه معروف چينى ها بيرحمانه و به اندازه بازى رولت روسى مرگبار است. اگر چه شخصيت هاى داستان اسلحه اى در دست ندارند، اما واژه ها و سوالات آن ها به همان اندازه مرگبار و بيرحمانه قربانى مى گيرد.

۷- ترن (۱۹۷۴)

جان فرانكنهايمر كه يكي از مشهورترين و بهترين كارگردانان تمام دوران است، با فيلم «ترن» (The Train) يك تریلر تعليقى ديگر در مورد اتفاقات تراژيك جنگ جهانى دوم ساخته است. داستان فيلم در سال ۱۹۴۴ در فرانسه مى گذرد و ژنرال فرانتس وون والدهيم (پل اسكافيلد) تصميم مى گيرد كه از طريق راه آهن با ارزش ترين آثار هنرى فرانسه را به آلمان منتقل سازد. برت لنكستر در فيلم نقش پل لايپشه را بازى مى كند، يكي از كارمندان فرانسوى راه آهن كه مى خواهد قطارى كه حاوى بارزش ترين نقاشى هاى فرانسه است را متوقف نمايد.

از اين رو او بايد آن قدر حركت قطار را به تعويق بيندازد كه متفقين از راه برسند. پل و ديگر كارگران راه آهن كه از اهميت تاريخى آثار هنرى در حال انتقال بى اطلاع هستند بايد با كمك يك هتل دار محلى به نام كريستين، با آلمان ها مقابله كرده و تهديد ژنرال والدهيم را از سر بگذرانند. «ترن» كه با دوربين سياه و سفيد فيلم بردارى شده يكي از بهترين فيلم هاى اكشن تمام دوران است كه شباهت زيادى با يك فيلم جاده اى ديگر به نام «مزد ترس» (The Wages of Fear) ساخته آنرى ژرژ كلوزو دارد.

هر دو فيلم حاوى تصادف هاى هولناك، سكانس هاى اكشن قوى و فيلم بردارى خيره كننده هستند. با اين وجود «ترن» در سايه ديگر شاهكار هاى فرانكنهايمر قرار گرفت، اما با اين وجود نمى توان آن را به عنوان يك فيلم جنگى هيچان انگيز و نامتعارف كه شايستگى توجهى بيشتر را داشت نادیده گرفت.

۶- ميركل مايل (۱۹۸۸)

فيلم «ميركل مايل» (Miracle Mile) يكي از جواهر هاى سينماى كالت است كه نه تنها يكي از نادیده گرفته شده ترين تریلر هاى پساآخرالزمانى تمام دوران بلکه يك كمدى نامتعارف و بسيار جذاب نيز هست. اگر چه فيلم با يك داستان عاشقانه آغاز مى شود، اما خيلى زود به يك تریلر سريع تبديل مى شود. اين فيلم كه در لس آنجلس و در محله اى به نام «ميركل مايل» ساخته شده، داستان هرى واشلو (آنتونى ادواردز) كه نوازنده ترومبون است را روايت مى كند كه عاشق دختری به نام جولى پيترز (مير وينينگام) مى شود كه در يك غذاخورى بين راهى گارنس است. آن ها قرار مى گذارند كه آخر شب در محل كار جولى با هم ملاقات كرده و شام بخورند، اما هرى نمى تواند به موقع سر قرار حاضر

شود.

او به طور ناگهانی جواب یک تلفن سکه ای را می دهد و مردی آن سوی خط به او می گوید که همین حالا یک جنگ هسته ای آغاز شده و تا دو ساعت آینده لس آنجلس مورد هدف یک بمب هسته ای قرار خواهد گرفت. بعد از آن یک مسابقه پرتعلیق علیه زمان شروع شده و هری باید در این مدت زمان کم نقشه ای برای فرار بکشد. او نه تنها باید جولی را پیدا کند بلکه باید با خطرات غیرمترقبه ای مقابله کند.

از همین داستان پیداست که «میرکل مایل» یک تریلر کالت نفس گیر با داستانی غیرمعمول و پیچش های داستانی غیرمنتظره فراوان است. علیرغم بودجه کم، این فیلم توانسته با ایجاد یک فضای پرتنش که شما را از منطقه امتنان بیرون کشیده و صحنه های کمیک و موسیقی تاثیرگذارش نیز بر جذابیت آن می افزاید.

۵- باب قمارباز (۱۹۵۶)

فیلم «باب قمارباز» (Bob le Flambeur) به کارگردانی ژان پیر ملویل، کارگردان افسانه ای سینمای فرانسه، یک ترکیب منحصر بفرد از فیلم نوآر آمریکایی و سینمای هنری فرانسه است. این فیلم که مصادف با موج نوب سینمای فرانسه ساخته شده یکی از جذاب ترین فیلم های گانگستری تمام دوران است. «باب قمارباز» داستان باب (روژه دوشن) را روایت می کند، یک قمارباز شیک پوش که در پاریس زندگی می کند. باب که سابقاً گانگستر بوده و به زندان نیز افتاده است اکنون به اجبار به قماربازی روی آورد و تقریباً همه به او احترام می گذارند، حتی نیرو های پلیس.

وقتی که باب تمام پول هایش را در قمار از دست می دهد تصمیم می گیرد که به یک کازینو که مقدار زیادی پول را در محل نگه می دارد مورد دستبرد قرار دهد. از این رو او گروهی از دوستان، قاچاقچیان و گانگستر ها را دور هم جمع می کند تا در این کار به او کمک کنند.

این فیلم که در سایه دیگر شاهکار گانگستری ملویل، «سامورایی» (Le Samourai)، قرار گرفته یک فیلم گانگستری جذاب و تریلری پیچیده است که بسیاری از فیلم های بلاک باستر هالیوودی مانند سه گانه «اوشن» از آن الهام گرفته اند. برخلاف آلن دلون در «سامورایی»، باب یک شخصیت صادق است که از زندگی اش نهایت لذت را می برد. ملویل در این فیلم نه تنها موفق می شود تصویری منحصر بفرد از شخصیت اصلی ماجرا ترسیم کند بلکه یک فیلم گانگستری متمایز و بی نقص نیز در این مسیر ساخته می شود.

۴- آدم بد راحت می خوابد (۱۹۶۰)

فیلم «آدم بد راحت می خوابد» (The Bad Sleep Well) یک شاهکار مورد بی مهری قرار گرفته توسط یکی از بزرگ ترین فیلمسازان سینمای ژاپن و جهان، آکیرا کوروساوا، است. فیلم داستان تراژیک نیشی (مانند همیشه توشیرو میفونه) را روایت می کند که فروشنده ماشین است، مردی که در تلاش برای گرفتن انتقام مرگ پدرش سعی می کند با دختر یک تاجر ثروتمند ازدواج کند. تا همین جای داستان مشخص می شود که فیلم «آدم بد راحت می خوابد» یک فیلم اخلاقی پیچیده است که فساد تجاری و سیاسی ژاپن پیش از جنگ جهانی دوم را به تصویر می کشد.

در این فیلم نه تنها فساد و بی اخلاقی جامعه به شکلی تاریک تفسیر می شود بلکه با فیلمی مواجه هستیم که از لحاظ بصری و بازیگری نیز یکی از بهترین آثار کوروساوا به شمار می آید. اگر چه کوروساوا بیشتر به خاطر فیلم های سامورایی اش شناخته می شود، اما او ساخته هایی قابل توجه در زمینه جنایی و تریلر های تعلیقی مانند «بالا و پایین» (High and Low) و «سگ ولگرد» (Stray Dog) نیز دارد.

فیلم «آدم بد راحت می خوابد» نه تنها یک اقتباس هجوآمیز از «هملت» شکسپیر است بلکه می توان آن را یک تریلر هیچکاکای خوش ساخت نیز دانست. اگر چه این فیلم در سایه بسیاری از دیگر اقتباس های سینمایی کوروساوا از آثار شکسپیر قرار گرفته است، اما می توان ن را یکی از بهترین فیلم های در مورد طمع، فساد و فریب تاریخ سینما دانست.

۳- زمانبندی بد (۱۹۸۰)

فیلم «زمانبندی بد» (Bad Timing) یک تریلر روانشناختی-جنسی به کارگردانی نیکلاس روگ است که رابطه آشفته بین یک زن جوان آمریکایی به نام میلنا (ترزا راسل) و یک روان درمانگر به نام الکس لیندن (آرت گارفونکل) که در شهر وین

زندگی می کنند را به تصویر می کشد.

بعد از این که ترزا به دلیل سوء مصرف دارو های مُسکن به بیمارستان منتقل می شود، یک کارآگاه پلیس شروع به تحقیق در مورد انگیزه این زن برای خودکشی و رابطه او با پروفیسور لیندن می کند. از طریق فلش بک های غیرخطی، کارگردان بریتانیایی نامی اثر موفق می شود یک فضای حسی از شهوت زدگی و عرفان جنسی خلق کند. رابطه نافرجام دو شخصیت اصلی ماجرا عواقب تراژیک و پیش بینی نشده وسواس های جنسی آنان را آشکار می کند.

تأثیر موسیقی راک در این اثر غیرقابل انکار است، زیرا او در اکثر فیلم هایش از موسیقیدانان این سبک در نقش های اصلی استفاده کرده است که از آن میان می توان به میک جگر و دیوید بووی اشاره کرد. در فیلم «زمانبندی بد» نیز آرت گارفونکل که یک موسیقیدان آمریکایی است در نقش اصلی ماجرا بازی کرده و در کنار فیلم برداری خیره کننده، ترکیبی از آهنگ های زیبا و بازی بی نقص راسل، فضای این تجربه متفاوت را بهبود می بخشد. این فیلم نه تنها بررسی دقیق روابط امروزی، تجزیه و تحلیل روانی و وسواس جنسی است بلکه می توان آن را یک تریلر پیچیده دانست که شما را آشفته می سازد.

۲- حفره (۱۹۶۰)

فیلم «حفره» (Le Trou) آخرین فیلم شخصی ژاک برک و یکی از بهترین فیلم های تاریخ سینما با موضوع فرار از زندان است. این فیلم نه تنها اوج هنر و نوغ این کارگردان فرانسوی را به تصویر می کشد بلکه یک تصویرسازی مینیمالیستی و واقع گرایانه از ترس های زندگی در زندان نیز هست. این درام قوی داستان ۴ زندانی را روایت می کند که برای یک فرار بزرگ نقشه می کشند تا اینکه یک زندانی دیگر نیز وارد سلول آن ها می شود.

در ابتدا، ۴ زندانی دلایل زیادی برای اعتماد نداشتن به هم سلولی جدید خود دارند، زیرا او بی دلیل و به صورت ناگهانی به سلولی منتقل شده که از قبل نیز جای کافی نداشته است. در نهایت گروه او را در میان خود پذیرفته و وی نیز در کندن حفره فرار به آن ها کمک می کند. اتفاقی که بعد از آن رخ می دهد بدون شک یکی از بهترین و به یاد ماندنی ترین سکانس های فرار از زندان در تاریخ سینما محسوب می شود.

داستان فیلم در فرانسه گذشته و بر اساس رمانی نوشته خوزه جیوانی به نام «فرار» (The Break) ساخته شده که آن نیز خود بر اساس یک ماجرای فرار واقعی از زندان لاسانته پاریس در سال ۱۹۴۷ نوشته شده است. ژاک برک موفق می شود بدون زیاده روی یا جلوه های ویژه، زندگی سخت زندانیان را به تصویر بکشد. دوربین ثابت، برداشت های بلند و نبود موسیقی در تقویت فضای تعلیقی داستان بسیار موثر است. روی هم رفته، «حفره» برک یک پیروزی برای سادگی و سبک هنری خاص سینمای فرانسه است.

۱- اعتراف (۱۹۷۰)

فیلم «اعتراف» (Aveu) به کارگردانی کوستا-گاوراس یکی از پرتنش ترین تریلر های سیاسی سینمای اروپا به شمار می آید. کارگردان فرانسوی فیلم تحسین شده «زد» (Z) بار دیگر یک فیلم به شکل بیرحمانه ای صادق در مورد بی عدالتی سیاسی ساخته است. این فیلم داستان جرارد (ایوس موتاند) را روایت می کند، یک کمونیست وفادار که معاون وزیر امور خارجه چکسلواکی است. اگر چه او در طول جنگ جهانی دوم توسط نازی ها زندانی شده، اما اکنون تحت تعقیب نیرو های امنیتی کشور قرار گرفته است.

برترین ها: در نهایت او بدون این که به طور رسمی تفهیم اتهام شود دستگیر شده و شکنجه روحی و روانی می شود. در نتیجه شکنجه های سخت، او مجبور می شود به خیانت و چندین مورد جنایت سیاسی اعتراف کند. فیلم «اعتراف» که بر اساس سرگذشت واقعی آرتور لاندن، یک کمونیست اهل چکسلواکی، ساخته شده یک بررسی تکان دهنده از یک دوره تاریک از زمان و بعد از تراژدی جنگ جهانی دوم است.

در سراسر این تحقیق آکادمیک تاثیرگذار، کوستا-گاوراس مفهوم سیاسی تمامیت خواهی و تئوری سوسیالیستی استالینیسیم را به چالش می کشد. کارگردان نه تنها موفق می شود یک درام با فضای تنگ و تاریک بسازد بلکه یک تریلر کافکایی در مورد خشونت سیاسی نیز خلق می کند.

منبع: tasteofcinema